

سوزالہ - گلزار سرنده کھواتند (۲)

# چچستا

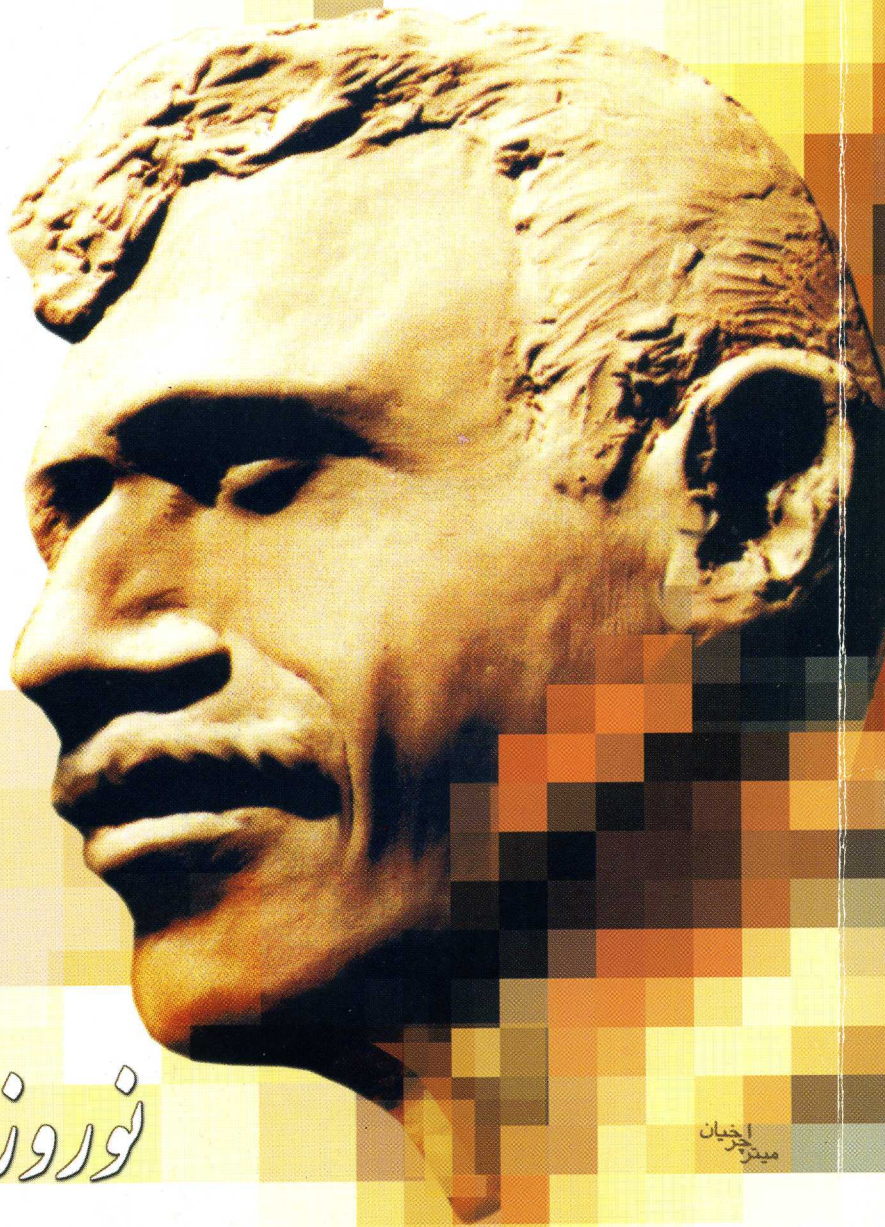
سال بیست و سوم، شماره ۷۶

شماره ردیف ۲۲۶-۲۲۷، اسفند ۸۴ و فروردین ۸۵

ماہانہ، ۱۴۸ صفحه، ۱۲۰۰۰ ریال

سیاسی  
اجتماعی  
علمی  
ادبی  
هنری

- در باره ی صمد بهرنگی • سیر تحول اندیشه ی فروغ
- زنان و صلح • جنبش زنان
- داستانی از م. ا. به آذین • شعر، داستان و...



## نوروز پیروز

میترا خندان



دو شعر از ژاله اصفهانی

### بهار آینده

بهار رفت

خزان رفت

برگ‌ها همه ریخت

و من هنوز ز دیوار باغ دلشادم،

که بوته‌ی گل بیخ

چون ستاره‌ها زیباست.

و آن پرنده‌ی نو پَر

به نغمه می‌گوید:

بهار آینده

بهار اول من

چندین بهار شماست؟

درد

لندن - تیر ۸۴



### بگذار پرنده‌ها بخوانند

بگذار پرنده‌ها بخوانند

بگذار پرنده‌ها آواز بخوانند

چهچه چلچله‌ها

با قهقهه بچه‌ها

چه هماهنگی شادی‌آوری دارد!

شاید با قافیه‌ی خنده و پرنده

می‌شود شعری ساخت

کز آن

روان عاشقان به رقص آید

بگذار پرنده‌ها بخوانند

بگذار پرنده‌ها آواز بخوانند.

روزگاری من

در جنگل‌های با صفای مازندران

در «تایگاه‌های انبوه روسیه

و در پارک‌های لندن

صدای پرندگان را

بر نواری نازک

و بر جدار نازک دلم نگاشتم

از آن پس، چه بسا

در آن نواها آرام گرفتم

شاید هم، در یک سپیده‌دم

نخستین شعرم را

از منقار مینای نغمه‌خوان

وام گرفتم

و همواره از پرندگان

الهام گرفتم

بگذار پرنده‌ها بخوانند

بگذار پرنده‌ها آواز بخوانند

من از نوای پرندگان

صدای آیندگان را می‌شنوم

و ندای آزادی انسان را

بگذار پرنده‌ها

این گل‌های زنده‌ی زیبا

آواز بخوانند

بگذار، بگذار پرنده‌ها بخوانند.

لندن - خرداد ۸۴